

## درس هشتم

### قیاس اقترانی

#### در درسهای قبل خواندیم که :

قضیه در منطق به دو قسمت **حملی و شرطی** تقسیم میشود.

در قضیه حملی ، چیزی به چیزی به ایجاب یا سلب نسبت داده میشود.

از مقایسه دو قضیه حملی ، احکام تقابل و عکس بدست می آید.

#### مثال برای اقسام قضایای محصوره :

موجبه کلیه : هر انسانی متفکر است.

موجبه جزئیه : بعضی از انسانها شاعر هستند.

سالبه کلیه : هیچ انسانی سنگ نیست.

سالبه جزئیه : بعضی از انسانها مهندس نیستند.

#### مطالب درس جدید (نقشه ذهنی) :

قیاس اقترانی و اشکال آن

قانون نتیجه قیاس

دامنه مصادیق موضوع و محمول

شرایط معتبر بودن قیاس

مقدمه :

فعالیت‌های فکری انسان : تعریف و استدلال

تعریف : در جواب "چیستی" می آید.

استدلال : در جواب "چرایی" می آید.

مثال برای استدلال :

چرا گل زیبا است؟

چون گل مخلوق خدا است و هر مخلوق خدا زیبا است ، پس : گل زیبا است.

گروه مشاوره فراهوش

INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

مثال فوق یک استدلال است که در آن چند قضیه را کنار هم قرار می‌دهیم تا چرایی یک تصدیق را توضیح دهیم.

## قیاس اقترانی :

به مثال زیر توجه کنید.

سقراط انسان است و هر انسانی فانی است ، پس : سقراط فانی است.

مثال فوق یک استدلال است که در منطق به این نوع استدلال قیاس اقترانی گویند.

زیرا ، دوقضیه اول آن ، حملی است. البته قیاس اقترانی شرطی هم داریم که در این کتاب منطق با آن کاری نداریم.

سقراط انسان است. حملی

هر انسانی فانی است. حملی

پس :

**قیاس اقترانی :** هرگاه دو یا چند قضیه به عنوان مقدمه داشته باشیم که از آن دواتاً قضیه دیگری به عنوان نتیجه بدست آید ، به این نوع قیاس ، قیاس اقترانی گویند. در هر قیاس اقترانی چندین جزء وجود دارد که این قیاس از آنها تشکیل شده است.

## اجزای قیاس اقترانی :

**مقدمات قیاس :** قضایایی است که برای توضیح دادن قیاس از آنها استفاده میشود که در قیاس یکی از آنها را صغرا و دیگری را کبرا می‌نامیم.

**حدوسط یا اوسط یا واسطه :** کلمه ای است که در مقدمه های قیاس تکرار میشود ، یعنی همان جزء مشترک در مقدمه ها است.

**نتیجه :** قضیه ای است که از مقدمه های قیاس بدست می آید.

**مثال :**

سقراط انسان است. هر انسانی فانی است. پس : سقراط فانی است.

در مثال فوق :

**مقدمه اول :** سقراط انسان است. **صغرا**

**مقدمه دوم :** هر انسانی فانی است. **کبرا**

**نتیجه :** سقراط فانی است.

**حدوسط :** کلمه "انسان" که در دو مقدمه قیاس یعنی صغرا و کبرا تکرار شده است.

جزئی که در قیاس اقترانی خیلی مهم است ، حدوسط است.

### **علت اهمیت حدوسط در قیاس اقترانی :**

جزئی است که اگر در مقدمه ها نباشد ، از آن مقدمات نتیجه ای بدست نمی آید ، زیرا این جزء بین دو مقدمه ارتباط برقرار میکند.

**مثال :**

**مقدمه اول :** هر مادری مهربان است.

**مقدمه دوم :** بعضی انسانها زرنگ هستند.

**نتیجه :-**

زیرا در دو مقدمه باید جزئی مشترک (حدوسط) باشد که نتیجه بگیریم ، وقتی که این جزء نباشد ، یعنی که هیچ ارتباطی بین این دو مقدمه وجود ندارد ، پس نتیجه ای هم بدست نمی آید.

### **چگونگی تعیین قیاس اقترانی در مثالها :**

۱ - ابتدا مقدمه ها را مشخص می کنیم و اولی را مقدمه اول و دومی را مقدمه دوم می نویسیم.

۲ - سپس نوع قضیه را در دو مقدمه تعیین می کنیم که حملی هستند یا شرطی

۳ - اگر هر دو مقدمه حملی بود ، قیاس اقترانی است.

۴ - مقدمه ها را نامگذاری می کنیم ، مقدمه اول را صغرا و مقدمه دوم را کبرا می نامیم.

۵ - **حدوسط** را در دو مقدمه مشخص می کنیم ، یعنی کلمه ای که در دو مقدمه تکرار شده است.

مثال برای مراحل فوق :

بعضی انسانها باهوش هستند. بعضی انسانها فیلسوف هستند.

مقدمه اول : بعضی انسانها باهوش هستند. حملی صغرا

قیاس اقترانی حدوسط (انسانها)

مقدمه دوم : بعضی انسانها فیلسوف هستند. حملی کبرا

شما می توانید دوریا زیر حدوسط را در دو مقدمه خط بکشید.

مثال برای تمرین و یادگیری بیشتر :

مثال اول : هر شتری بچه زا است. هیچ کبوتری بچه زا نیست.

مثال دوم : بعضی پرهیزگاران عالم هستند. هر پرهیزگاری متفکر است.

مثال سوم : هر فرد شیعه مسلمان است. هر مسلمانی موحد است.

مثال چهارم : هر پرنده ای حیوان است. هر اسبی حیوان است.

مثال پنجم : هر درختی نامی (دارای رشد و نمو) است. هر نخلی درخت است.

مثال ششم : بعضی خیاط ها ماهر هستند. بعضی ماهران راننده هستند.

مثال هفتم : بعضی گلها صورتی نیستند. هر گلی گیاه است.

حل مثال اول :

مقدمه اول : هر شتری بچه زا است. حملی صغرا

قیاس اقترانی حدوسط (بچه زا)

مقدمه دوم : هیچ کبوتری بچه زا نیست. حملی کبرا

INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99  
WEB : FARAHOOSH99.IR

### حل مثال دوم :

مقدمه اول : بعضی پرهیزگاران عالم هستند. حملی صغرا  
قیاس اقترانی حدوسط (پرهیزگار)  
مقدمه دوم : هر پرهیزگاری متفکر است. حملی کبرا

### حل مثال سوم :

مقدمه اول : هر فرد شیعه مسلمان است. حملی صغرا  
قیاس اقترانی حدوسط (مسلمان)  
مقدمه دوم : هر مسلمان موحد است. حمل کبرا

### حل مثال چهارم :

مقدمه اول : هر پرنده ای حیوان است. حملی صغرا  
قیاس اقترانی حدوسط (حیوان)  
مقدمه دوم : هر اسبی حیوان است. حملی کبرا

### حل مثال پنجم :

مقدمه اول : هر درختی نامی است. حملی صغرا  
قیاس اقترانی حدوسط (درخت)  
مقدمه دوم : هر نخلی درخت است. حملی کبرا

گروه مشاوره فراهوش

INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

### حل مثال ششم :

**مقدمه اول :** بعضی خیاط ها ماهر هستند. حملی صغرا  
قیاس اقترانی حدوسط (ماهر)  
**مقدمه دوم :** بعضی ماهران راننده هستند. حملی کبرا

### حل مثال هفتم :

**مقدمه اول :** بعضی گلها صورتی نیستند. حملی صغرا  
قیاس اقترانی حدوسط (گل)  
**مقدمه دوم :** هرگلی گیاه است. حملی کبرا

**نکته :** نقش حدوسط در قیاس اقترانی خیلی مهم است و با توجه به موقعیت حدوسط است که اشکال قیاس اقترانی شکل می گیرد.

بر اساس موقعیت حدوسط قیاس اقترانی به چهار شکل می تواند وجود داشته باشد و خارج از چهار شکل متصور نیست. زیرا حدوسط یعنی همان کلمه ای که در مقدمه ها تکرار میشود در دو مقدمه یا جای موضوع قرار می گیرد یا جای محمول.

### اشکال قیاس اقترانی :

**شکل اول :** حدوسط در مقدمه صغرا محمول و در مقدمه کبرا موضوع است.

**شکل دوم :** حدوسط در دو مقدمه صغرا و کبرا محمول است.

**شکل سوم :** حدوسط در دو مقدمه صغرا و کبرا موضوع است.

**شکل چهارم :** حدوسط در مقدمه صغرا موضوع و در مقدمه کبرا محمول است.

مثال :

**مقدمه اول :** بعضی انسانها باهوش هستند. حملی صغرا  
قیاس اقترانی حدوسط (انسانها)

**مقدمه دوم :** بعضی انسانها فیلسوف هستند. حملی کبرا

شکل قیاس را هم با توجه به موقعیت حدوسط درمقدمه ها تعیین می کنیم.

درمثال فوق ، حدوسط که کلمه "انسانها" است ، درمقدمه اول که صغرا است جای موضوع قرار دارد و درمقدمه دوم که کبرا است هم جای موضوع قرار دارد ، پس : وقتی حدوسط در دومقدمه صغرا و کبرا موضوع باشد ، شکل سوم است.

اشکال قیاس اقترانی به صورت شعر :

اوسط اگر حمل یافت بر در صغرا و باز  
وضع به کبرا گرفت ، شکل نخستین شمار  
حمل به هردو ، دوم ، وضع به هردو ، سوم  
رابع اشکال را عکس نخستین بیار  
یعنی حدوسط اگر محمول شد در مقدمه صغرا و باز موضوع شد در مقدمه کبرا ، شکل اول  
میشود و اگر محمول شد در هر دو مقدمه صغرا و کبرا ، شکل دوم میشود و اگر موضوع شد  
در هر دو مقدمه صغرا و کبرا ، شکل سوم میشود و برعکس شکل اول ، یعنی موضوع در  
مقدمه صغرا و محمول در مقدمه کبرا ، شکل چهارم میشود.

مثال برای تمرین و یادگیری بیشتر :

همان مثالهای قبل است ، یعنی ادامه توضیحات قبلی این مثالها است، و در اینجا باید شکل قیاس را تعیین کنیم.

مثال اول : هر شتری بچه زا است . هیچ کبوتری بچه زا نیست .

مثال دوم : بعضی پرهیزگاران عالم هستند . هر پرهیزگاری متفکر است .

مثال سوم : هر فرد شیعه مسلمان است . هر مسلمانی موحد است .

مثال چهارم : هر پرنده ای حیوان است . هر اسبی حیوان است .

مثال پنجم : هر درختی نامی (دارای رشد و نمو) است . هر نخلی درخت است .

مثال ششم : بعضی خیاط ها ماهر هستند . بعضی ماهران راننده هستند .

مثال هفتم : بعضی گلها صورتی نیستند . هر گلی گیاه است .

درمثال اول ، حدوسط کلمه "بچه زا" است که در مقدمه اول یعنی صغرا محمول و در مقدمه دوم یعنی کبرا نیز محمول است ، پس : شکل دوم است .

درمثال دوم ، حدوسط کلمه "پرهیزگار" است که در مقدمه اول یعنی صغرا موضوع و در مقدمه دوم یعنی کبرا نیز موضوع است ، پس : شکل سوم است .

**درمثال سوم** ، حدوسط کلمه "مسلمان" است که درمقدمه اول یعنی صغرا محمول و در مقدمه دوم یعنی کبرا موضوع است ، پس : شکل اول است.

**درمثال چهارم** ، حدوسط کلمه "حیوان" است که درمقدمه اول یعنی صغرا محمول و در مقدمه دوم یعنی کبرا نیز محمول است ، پس : شکل دوم است.

**درمثال پنجم** ، حدوسط کلمه "درخت" است که درمقدمه اول یعنی صغرا موضوع و در مقدمه دوم یعنی کبرا محمول است ، پس : شکل چهارم است.

**درمثال ششم** ، حدوسط کلمه "ماهر" است که درمقدمه اول یعنی صغرا محمول و در مقدمه دوم یعنی کبرا موضوع است ، پس : شکل اول است.

**درمثال هفتم** ، حدوسط کلمه "گل" است که درمقدمه اول یعنی صغرا موضوع و درمقدمه دوم یعنی کبرا نیز موضوع است ، پس : شکل سوم است.

**نکته** : این طور نیست که حدوسط در دو مقدمه فقط تکرار شود ، کافی باشد ، بلکه کلمه ای حدوسط است که شرایط زیر را دارا باشد.

### شرایط حدوسط :

۱ - در دو مقدمه عیناً تکرار شود.

۲ - در دو مقدمه به یک معنا باشد.

**مغالطه عدم تکرار حدوسط** : اگر حدوسط در دو مقدمه یک یا هر دو شرط فوق را نداشته باشد ، استدلال یک قیاس نادرست است و نتیجه ای که از آن بدست آید نیز نامعتبر و نادرست است ، زیرا وقتی حدوسط شرایط بالا را نداشته باشد ، یعنی حدوسط محسوب نمیشود و این بدین معناست که دو مقدمه حدوسط ندارند و هیچ ارتباطی هم با یکدیگر نخواهند داشت ، پس ؛ اگر از چنین استدلالی نتیجه گیری شود ، نادرست است.

**مثال برای عدم رعایت شروط حدوسط :**

**مثال اول** : یخ از آب است. آب مایع است. پس : یخ مایع است.

**مثال دوم** : انگور شیرین است. شیرین همسر خسرو است. پس : انگور همسر خسرو است.

حال مثالهای فوق را بررسی می کنیم.



## مثال اول :

مقدمه اول : یخ از آب است. حملی صغرا

قیاس اقترانی

مقدمه دوم : آب مایع است. حملی کبرا

نتیجه : یخ مایع است.

حال که قیاس اقترانی است ، حدوسط را درمی نویسیم ، می بینیم که درمقدمه اول یعنی صغرا کلمه "از آب" است و باید همین کلمه درمقدمه کبرا نیز تکرار شود ، چون حدوسط کلمه ای است که در دو مقدمه تکرار میشود ، حال بررسی می کنیم که ببینیم حدوسط تکرار شده است یا نه ؟

برای اینکه ببینیم حدوسط درست است ، یعنی این قیاس حدوسط دارد یا نه ، در ابتدا بعد از پیدا کردن حدوسط ، شرایط حدوسط را بررسی می کنیم ؛ در ابتدا شرط اول ، یعنی می بینیم که حدوسط عیناً تکرار شده است یا نه ، که می بینیم درمقدمه صغرا حدوسط کلمه "از آب" آمده است ، اما درمقدمه کبرا فقط کلمه "آب" آمده است ، پس می گوئیم چون حدوسط عیناً تکرار نشده است ، پس این کلمه نمی تواند حدوسط باشد ، یعنی این دو مقدمه حدوسط ندارند و هیچ ارتباطی هم بین دو مقدمه وجود نخواهد داشت. بنابراین نتیجه ای هم که بدست می آید ، نادرست است و به این نوع مغالطه ، مغالطه "عدم تکرار حدوسط" گویند.

## چگونگی تشخیص شرط اول حدوسط :

در مثال فوق برای راحت تر تشخیص دادن شرط اول حدوسط به صورت زیر عمل می کنیم:

۱ - درمقدمه اول برای اینکه ببینیم حدوسط کلمه "آب" به تنهایی حدوسط است یا کلمه "از آب" ، کلمه "از" را از جمله حذف می کنیم.

۲ - سپس جمله را می خوانیم که میشود ، یخ آب است که معنایی ندارد و به همین خاطر باید کلمه "از آب" حدوسط باشد و همین کلمه درمقدمه دوم هم تکرار شود که می بینیم این طور نیست ، پس حدوسط محسوب نمیشود ، وقتی هم که حدوسط نباشد ، نتیجه ای بدست نمی آید و اگر هم نتیجه ای باشد ، نادرست است.

## مثال دوم :

**مقدمه اول :** انگور شیرین است. **حملی** **صغرا**

قیاس اقترانی

**مقدمه دوم :** شیرین همسر خسرو است. **حملی** **کبرا**

**نتیجه :** انگور همسر خسرو است.

حال که قیاس اقترانی است ، حدوسط را می نویسیم و می بینیم که کلمه "شیرین" در دو مقدمه تکرار شده است ، پس باید حدوسط باشد ، به همین خاطر باید شرایط حدوسط را بررسی کنیم تا ببینیم که این کلمه ای که تکرار شده است حدوسط است یا نه؟

در ابتدا شرط اول را بررسی می کنیم که حدوسط باید عیناً تکرار شود و می بینیم که در دو مقدمه عیناً تکرار شده است ، پس شرط اول را دارد.

سپس به سراغ شرط دوم حدوسط می رویم و آن این است که حدوسط باید در دو مقدمه به یک معنا باشد و می بینیم که کلمه "شیرین" در مقدمه صغرا به معنای یک نوع طعم و مزه است و در مقدمه کبرا به معنای اسم و نام شخص است ، پس ؛ حدوسط در دو مقدمه به یک معنا نیست ، یعنی این دو مقدمه حدوسط ندارند و ارتباطی هم بین این دو وجود ندارد و نتیجه ای هم که بدست آمده است ، نادرست است و این استدلال یک نوع مغالطه "عدم تکرار حدوسط" است.

توجه داشته باشیم که وقتی شرط اول حدوسط را بررسی کردیم و استدلال فاقد آن شرط بود ، دیگر شرط دوم لازم نیست که بررسی شود ، زیرا حدوسطی وجود نخواهد داشت ، مگر اینکه در سؤال از ما خواسته شود شرایط حدوسط را به طور کامل بررسی کنیم.

## مثال برای تمرین و یادگیری بیشتر :

**مثال اول :** اوسیر است. سیر بدبو است. **پس :** اوبدبو است.

**مثال دوم :** ماست از شیر است. شیر بر ایسهال مضر است. **پس :** ماست برای اسهال مضر است.

**مثال سوم :** دوست من پروانه است. پروانه دارای دو بال است. **پس :** دوست من دارای دو بال است.

**مثال چهارم :** در باز است. باز پرنده است. **پس :** در پرنده است.

## مثال اول :

مقدمه اول : او سیر است. حملی صغرا

قیاس اقترانی

مقدمه دوم : سیر بدبو است. حملی کبرا

حدوسط کلمه "سیر" است که در دو مقدمه تکرار شده است ، حال شرایط حدوسط را بررسی می کنیم ، شرط اول این است که حدوسط در دو مقدمه عیناً تکرار شده باشد که می بینیم این شرط رعایت شده است. پس به سراغ شرط دوم می رویم که باید حدوسط در دو مقدمه به یک معنا باشد ، می بینیم که سیر در مقدمه اول به معنای رفع گرسنگی است و در مقدمه دوم به معنای نوعی سبزیجات است ، پس ؛ حدوسط در دو مقدمه به یک معنا نیامده است یعنی این استدلال حدوسط ندارد و هیچ ارتباطی هم بین مقدمه ها وجود ندارد و مغالطه عدم تکرار حدوسط است و نتیجه ای که بدست آمده است نادرست است.

## مثال دوم :

مقدمه اول : ماست از شیر است. حملی صغرا

قیاس اقترانی

مقدمه دوم : شیر برای اسهال مضر است. حملی کبرا

حدوسط کلمه "شیر" است که در دو مقدمه تکرار شده است ، اما می بینیم که در مقدمه اول قبل از کلمه "شیر" حرف "از" آمده است ، حال باید ببینیم که حدوسط کلمه "ازشیر" است یا "شیر" ، پس شرایط حدوسط را بررسی می کنیم ، شرط اول این است که حدوسط در دو مقدمه عیناً تکرار شود. همانطور که گفتیم در مقدمه اول کلمه "از" را حذف می کنیم ، می بینیم که جمله به این صورت میشود ، ماست شیر است که بی معنی است ، پس باید حدوسط کلمه "ازشیر" باشد و در مقدمه دوم نیز عیناً همین بیاید که می بینیم نیامده است ، پس حدوسط این شرط را ندارد ، یعنی حدوسط محسوب نمیشود و مغالطه "عدم تکرار حدوسط" است و نتیجه بدست آمده نیز نادرست است.

### مثال سوم :

**مقدمه اول :** پروانه دوست من است. **حملی** **صغرا**

قیاس اقترانی

**مقدمه دوم :** پروانه دارای دو بال است. **حملی** **کبرا**

حدوسط کلمه "پروانه" است که در دو مقدمه تکرار شده است ، حال شرایط حدوسط را بررسی می کنیم ، شرط اول این است که حدوسط در دو مقدمه عیناً تکرار شده باشد که می بینیم این شرط رعایت شده است. پس به سراغ شرط دوم می رویم که باید حدوسط در دو مقدمه به یک معنا باشد ، می بینیم که پروانه در مقدمه اول به معنای نام و اسم است و در مقدمه دوم به معنای نوعی حشره است ، پس ؛ حدوسط در دو مقدمه به یک معنا نیامده است ، یعنی این استدلال حدوسط ندارد و هیچ ارتباطی هم بین مقدمه ها وجود ندارد و **مغالطه عدم تکرار حدوسط** است و نتیجه ای که بدست آمده است نادرست است.

### مثال چهارم :

**مقدمه اول :** در باز است. **حملی** **صغرا**

قیاس اقترانی

**مقدمه دوم :** باز پرنده است. **حملی** **کبرا**

حدوسط کلمه "باز" است که در دو مقدمه تکرار شده است ، حال شرایط حدوسط را بررسی می کنیم ، شرط اول این است که حدوسط در دو مقدمه عیناً تکرار شده باشد که می بینیم این شرط رعایت شده است. پس به سراغ شرط دوم می رویم که باید حدوسط در دو مقدمه به یک معنا باشد ، می بینیم که باز در مقدمه اول به معنای باز بودن است و در مقدمه دوم به معنای نوعی پرنده است ، پس ؛ حدوسط در دو مقدمه به یک معنا نیامده است ، یعنی این استدلال حدوسط ندارد و هیچ ارتباطی هم بین مقدمه ها وجود ندارد و **مغالطه عدم تکرار حدوسط** است و نتیجه ای که بدست آمده است نادرست است.

حال باید بعد از نوشتن نوع قیاس ، نتیجه قیاس تابع چه قوانینی است؟

INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99

قانون نتیجه قیاس :  
WEB : FARAHOOSH99.IR

۱ - چون در مقدمه ها سور و موضوع و محمول و رابطه داریم ، پس در نتیجه نیز باید این اجزاء را داشته باشیم.

۲ - نتیجه تابع اَخَسِّ مقدمتین است.

۳ - اخس و پستی مقدمه ها به دو چیز است ، یکی سالبه بودن و دیگری جزئی بودن

۴ - اگر یکی از مقدمه ها سالبه باشد ، نتیجه نیز همیشه سالبه است.

۵ - اگر یکی از مقدمه ها جزئی باشد ، نتیجه نیز جزئی است.

**استثناء :** در شکل سوم ، نتیجه همیشه جزئی است ، یعنی همین که نتیجه داشت با سور جزئی شروع میشود ولی برای نسبت باید به مقدمه ها نگاه کنیم که اگر سالبه داشتیم ، نتیجه نیز سالبه خواهد بود.

۶ - حدوسط در نتیجه حذف میشود.

۷ - موضوع نتیجه از مقدمه اول و محمول نتیجه از مقدمه دوم بدست می آید.

**مثال :**

**مقدمه اول :** هر پرهیزگاری متفکر است. حملی صغرا  
قیاس اقترانی حدوسط (پرهیزگار) صغرا  
**مقدمه دوم :** بعضی پرهیزگران عالم نیستند. حملی کبرا  
حال باید نتیجه را بنویسیم که به صورت زیر عمل می کنیم :

قیاس اقترانی است و حدوسط کلمه "پرهیزگار" است که در دو مقدمه عیناً و به یک معنا تکرار شده است ، حدوسط در مقدمه اول موضوع و در مقدمه دوم نیز موضوع است ، پس شکل سوم است ، برای نوشتن نتیجه اول باید سور را بنویسیم. در شکل سوم سور در نتیجه همیشه جزئی است ، یعنی با "بعضی" شروع میشود ، سپس حدوسط را در دو مقدمه خط می زنیم و کلمه ای که در مقدمه اول باقی مانده است یعنی "متفکر" را به عنوان موضوع نتیجه و کلمه ای که در مقدمه دوم باقی مانده است یعنی "عالم" را به عنوان محمول نتیجه می نویسیم و برای نسبت نیز به مقدمه ها نگاه می کنیم که می بینیم مقدمه دوم سالبه است ، پس نتیجه نیز سالبه می باشد. بنابراین نتیجه قیاس فوق این میشود :

**نتیجه :** بعضی متفکرها عالم نیستند.

INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

**نکته :** در این درس از شما نتیجه را نمی خواهند ، یعنی تمرینات این درس بدین صورت است که مقدمه ها و نتیجه را به شما میدهند و از شما میخواهند که درست یا غلط بودن نتیجه را بررسی کنید که در مطلب پایانی این درس بدان می پردازیم.

در ابتدا برای بررسی اعتبار نتیجه قیاس باید دامنه مصادیق موضوع و محمول را در مقدمه ها و نتیجه تعیین کنیم.

**اساس تعیین اعتبار یک قیاس :** دامنه مصادیق موضوع و محمول  
**دامنه مصادیق موضوع و محمول :**

همانطور که گفتیم ، قضایایی که سور دارند از چهار حالت خارج نیستند:

**موجبه کلیه :** هر الف ب است.

**موجبه جزئیه :** بعضی الف ب است.

**سالبه کلیه :** هیچ الف ب نیست.

**سالبه جزئیه :** بعضی الف ب نیست.

پس مصادیق موضوع و محمول را برای این چهار حالت بیان می کنیم.

**در مورد موضوع باید بگوییم که :**

**سور کلی** مشخص می کند که همه مصادیق موضوع مورد نظر هستند ، مانند : هر انسانی متفکر است که در این قضیه سور "هر" به همه انسانها اشاره دارد.

**سور جزئی** مشخص می کند که بعضی از مصادیق موضوع مورد نظر هستند ، مانند : بعضی از انسانها شاعر هستند که در این قضیه سور "بعضی" همه انسانها را در بر نمی گیرد و فقط بعضی از انسانها را شامل میشود.

INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

**در مورد محمول باید بگوییم که :**

**قضیه** اگر سالبه باشد ، همه مصادیق محمول مورد نظر هستند.

**قضیه** اگر موجبه باشد ، بعضی از مصادیق محمول مورد نظر هستند.

پس با توجه به مطالب فوق مصادیق موضوع و محمول در قضایای محصوره به صورت زیر بیان میشود : (علامت مثبت برای همه مصادیق و علامت منفی برای بعضی از مصادیق می آید.)

## مصادیق موضوع و محمول در قضایای محصوره :

— +

هر الف ب است.

چون "هر" دارد ، الف که موضوع است ، مثبت است و چون "است" دارد ، ب که محمول است ، منفی است.

— —

بعضی الف ب است.

چون "بعضی" دارد ، الف که موضوع است ، منفی است و چون "است" دارد ، ب که محمول است ، منفی است.

+ +

هیچ الف ب نیست.

چون "هیچ" دارد ، الف که موضوع است ، مثبت است و چون "نیست" دارد ، ب که محمول است ، مثبت است.

+ —

بعضی الف ب نیست.

چون "بعضی" دارد ، الف که موضوع است ، منفی است و چون "نیست" دارد ، ب که محمول است ، مثبت است.

پس : برای تعیین مصادیق موضوع به سورا نگاه می کنیم :

اگر سور کلی باشد ، موضوع مثبت است.

اگر سور جزئی باشد ، موضوع منفی است.

برای تعیین مصادیق محمول به رابطه نگاه می کنیم :

اگر رابطه موجه باشد ، محمول منفی است.

اگر رابطه سالبه باشد ، محمول مثبت است.

**نکته :** در قضایای شخصیّه ، برای تعیین دامنهٔ مصادیق موضوع که سورنداریم ، چون همیشه همهٔ مصادیق موضوع مورد نظر هستند ، پس همیشه موضوع را مثبت می گذاریم. برای محمول هم مثل قضایای محصوره عمل می کنیم.

**مثال :** ابن سینا فیلسوف بزرگ اسلامی است. در این قضیه چون موضوع جزئی و شخصیّ است ، موضوع یعنی "سقراط" را مثبت می گذاریم و محمول هم با توجه به "است" یعنی "فیلسوف بزرگ اسلامی" را منفی می گذاریم.

**مثال برای تمرین و یادگیری بیشتر :**

**مثال اول :** بعضی گلها صورتی نیستند.

**مثال دوم :** هیچ مادری نامهربان نیست.

**مثال سوم :** بعضی دانش آموزان کوشا هستند.

**مثال چهارم :** هر انسانی اشرف مخلوقات است.

**مثال پنجم :** بعضی بیماریها سخت نیستند.

**مثال ششم :** هر گلی زیبا است.

**مثال هفتم :** هیچ اسبی آهو نیست.

**در مثال اول ،** برای موضوع که "گلها" است به سور که "بعضی" است نگاه می کنیم که منفی میشود و برای محمول که "صورتی" است به نسبت که "نیستند" است نگاه می کنیم که مثبت میشود.

**بعضی گلها صورتی نیستند.**  
**گروه مشاوره فراهوش**  
**INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99**

**در مثال دوم ،** برای موضوع که "مادری" است به سور که "هیچ" است نگاه می کنیم که مثبت میشود و برای محمول که "نامهربان" است به نسبت که "نیست" است نگاه می کنیم که مثبت میشود.

**هیچ مادری نامهربان نیست.**



**درمثال سوم** ، برای موضوع که "دانش آموزان" است به سورکه "بعضی" است نگاه می کنیم که منفی میشود و برای محمول که "کوشا" است به نسبت که "هستند" است نگاه می کنیم که منفی میشود.

**بعضی** دانش آموزان کوشا **هستند**.

**درمثال چهارم** ، برای موضوع که "انسانی" است به سورکه "هر" است نگاه می کنیم که مثبت میشود و برای محمول که "اشرف مخلوقات" است به نسبت که "است" است نگاه می کنیم که منفی میشود.

**هر** انسانی اشرف مخلوقات **است**.

**درمثال پنجم** ، برای موضوع که "بیماریها" است به سورکه "بعضی" است نگاه می کنیم که منفی میشود و برای محمول که "سخت" است به نسبت که "نیستند" است نگاه می کنیم که مثبت میشود.

**بعضی** بیماریها سخت **نیستند**.

**درمثال ششم** ، برای موضوع که "گلی" است به سورکه "هر" است نگاه می کنیم که مثبت میشود و برای محمول که "زیبا" است به نسبت که "است" است نگاه می کنیم که منفی میشود.

**هر** گلی زیبا **است**.

**درمثال هفتم** ، برای موضوع که "اسبی" است به سورکه "هیچ" است نگاه می کنیم که مثبت میشود و برای محمول که "آهو" است به نسبت که "نیست" است نگاه می کنیم که مثبت میشود.

**گروه مشاوره فراهوش** ++  
**هیچ** اسبی آهو **نیست**.

**INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99**

**WEB : FARAHOOSH99.IR**

بعد از این مباحث ، برای اینکه بتوانیم یک قیاس را بررسی کنیم که نتیجه معتبر دارد یا نه باید شرایط معتبر بودن یک قیاس را بدانیم تا بر اساس آنها یک قیاس را بسنجیم. یک قیاس باید سه شرط زیر را دارا باشد تا بتوانیم بگوییم که این قیاس منطقی و معتبر است.

## شرایط اعتبار قیاس :

اول : حداقل یکی از مقدمات **موجبه** باشد.

دوم : **حدوسط** در یکی از مقدمات دارای علامت مثبت باشد.

سوم : هر کدام از موضوع و محمول که در نتیجه علامت مثبت داشته باشند ، باید در مقدمه ای که آمده اند نیز علامت مثبت داشته باشند.

نکته : قیاس در صورتی که حتی یکی از شرایط فوق را نداشته باشد ، نامعتبر است ، یعنی نتیجه آن نادرست است.

نکته مهم : در ابتدا قبل از بررسی شرایط اعتبار قیاس ، باید شرایط حدوسط بررسی شود. حال شرایط را با مثال بیشتر توضیح میدهیم.

شرط اول : حداقل یکی از مقدمات **موجبه** باشد.

این شرط بدین معناست که هر دو مقدمه نباید سالبه باشند و اگر یکی سالبه بود و دیگری **موجبه** بود ، درست است و یا اینکه هر دو **موجبه** باشند باز هم قیاس درست است و این شرط را دارد.

مثال : هیچ اسبی بالدار نیست. هیچ بالدار سم دار نیست. پس : هیچ بالدار سم دار نیست. در ابتدا باید تمامی مطالبی که گفتیم در این درس را می نویسیم.

مقدمه اول : هیچ اسبی بالدار نیست. حملی صغری  
قیاس اقترانی حدوسط (بالدار)

مقدمه دوم : هیچ بالدار سم دار نیست. حملی کبرا

نتیجه : هیچ بالدار سم دار نیست.



پس :

این قیاس نامعتبر است ، زیرا شرط دوم را که باید حدوسط در یکی از مقدمه ها علامت مثبت داشته باشد را ندارد و نتیجه بدست آمده نیز نادرست است.

شرط سوم : هرکدام از موضوع و محمول را که در نتیجه علامت مثبت دارند ، در مقدمه ای که آمده اند نیز باید دارای علامت مثبت باشند.

این شرط بدین معناست که بعد از تعیین دامنه مصادیق موضوع و محمول در نتیجه ، در صورتی که یکی از اینها علامت مثبت داشته باشند ، باید در مقدمه ای که آمده اند نیز دارای علامت مثبت باشند.

مثال : هیچ شیری پلنگ نیست. بعضی شیرها گربه سان اند. پس : بعضی پلنگ ها گربه سان نیستند.



در ابتدا بعد از تعیین نوع قیاس ، شرایط حدوسط را بررسی می کنیم و می بینیم که حدوسط یعنی کلمه "شیر" در دو مقدمه عیناً و به یک معنا آمده است.

سپس شرط اول قیاس را بررسی می کنیم و می بینیم که یکی از مقدمه ها یعنی مقدمه دوم موجب است.

بعد شرط دوم قیاس را بررسی می کنیم و می بینیم که حدوسط یعنی کلمه "شیر" در مقدمه اول دارای علامت مثبت است.

بعد شرط سوم قیاس را بررسی می کنیم ، اول باید دامنه مصادیق موضوع و محمول را در نتیجه تعیین کنیم و ببینیم که کدامیک از اینها دارای علامت مثبت هستند ، می بینیم که کلمه "گربه سان" که در نتیجه محمول است ، علامت مثبت دارد ، باید این کلمه در مقدمه ای که آمده است نیز دارای علامت مثبت باشد که می بینیم "گربه سان" در مقدمه دوم آمده ولی دارای علامت منفی است.

**پس :**

این قیاس نامعتبر است ، زیرا شرط سوم قیاس را که باید موضوع و محمول را که در نتیجه علامت مثبت دارند ، در مقدمه ها نیز علامت مثبت باشد را ندارد و نتیجه بدست آمده نیز نادرست است.

**نکات مهم :**

۱ - قبل از بررسی شرایط اعتبار قیاس ، در ابتدا باید شرایط حدوسط بررسی شود.

۲ - شرایط اعتبار قیاس به ترتیب بررسی شوند.

۳ - در صورت بررسی شرط اول ، اگر این شرط وجود داشت به سراغ بررسی شرط دوم می رویم ، در غیر این صورت بررسی شرطهای دیگر لازم نیست ، زیرا قیاس اگر فقط یک شرط را نداشته باشد نیز نامعتبر است ، پس : بررسی همه شرایط اعتبار قیاس در صورتی که در سوال از ما خواسته شود لازم است.

**به طور کلی :** در این درس باید چهار نکته را یاد بگیریم تا بتوانیم مثالها و تمرینها را حل کنیم.

نوع قیاس ، شکل قیاس ، دامنه مصادیق موضوع و محمول ، شرایط اعتبار قیاس

**مثال برای تمرین و یادگیری بیشتر :**

**مثال اول :** بعضی برگها سبز هستند. هیچ برفی سبز نیست. پس ؛ بعضی برگها برف نیستند.

**مثال دوم :** هر اناری میوه است. هر گلابی میوه است. پس ؛ هر اناری گلابی است.

**مثال سوم :** بعضی انسانها شاعر هستند. هر انسانی فانی است. پس ؛ بعضی شاعرها فانی هستند.

**مثال چهارم :** هر شتری بچه زا است. بعضی پرندگان بچه زا هستند. پس ؛ بعضی شترها پرنده هستند.

**مثال پنجم :** بعضی گلها صورتی نیستند. هر گلی گیاه است. پس ؛ بعضی صورتی ها گیاه نیستند.

**مثال اول :** بعضی برگها سبز هستند. هیچ برفی سبز نیست. پس ؛ بعضی برگها برف نیستند.

**مقدمه اول :** بعضی برگها سبز هستند. **حملی** **صغرا**

قیاس اقترانی **حدوسط (سبز)**

**مقدمه دوم :** هیچ برفی سبز نیست. **حملی** **کبرا**

**نتیجه :** بعضی برگها برف نیستند.

حدوسط یعنی کلمه "سبز" در هر دو مقدمه عیناً و به یک معنا آمده است.

یکی از مقدمه ها نیز موجبه است.

حدوسط یعنی کلمه "سبز" در مقدمه دوم علامت مثبت دارد.

کلمه "برف" که در نتیجه محمول است و علامت مثبت دارد ، در مقدمه دوم هم که آمده است علامت مثبت دارد.

**پس :** قیاس معتبر است و نتیجه بدست آمده نیز درست است.

**مثال دوم :** هر اناری میوه است. هر گلابی میوه است. پس ؛ هر اناری گلابی است.

**مقدمه اول :** هر اناری میوه است. **حملی** **صغرا**

حدوسط (میوه)

قیاس اقترانی

**مقدمه دوم :** هر گلابی میوه است. **حملی** **کبرا**

**نتیجه :** هر اناری گلابی است.

حدوسط یعنی کلمه "میوه" در هر دو مقدمه عیناً و به یک معنا آمده است.

یکی از مقدمه ها نیز موجبه است.

حدوسط یعنی کلمه "میوه" در هر دو مقدمه علامت منفی دارد ، در صورتی که باید حداقل در یکی از مقدمات مثبت باشد.

**پس :** قیاس نامعتبر است چون شرط دوم را ندارد ، یعنی حدوسط در هر دو مقدمه منفی است و نتیجه بدست آمده نیز نادرست است.

**مثال سوم :** بعضی انسانها شاعر هستند. هر انسانی فانی است. پس ؛ بعضی شاعرها فانی هستند.

**مقدمه اول :** بعضی انسانها شاعر هستند. حملی صغرا

قیاس اقترانی حدوسط (انسان)

**مقدمه دوم :** هر انسانی فانی است. حملی کبرا

**نتیجه :** بعضی شاعرها فانی هستند.

حدوسط یعنی کلمه "انسان" در هر دو مقدمه عیناً و به یک معنا آمده است. هر دو مقدمه موجب هستند.

حدوسط یعنی کلمه "انسان" در مقدمه دوم علامت مثبت دارد.

شرط سوم هم لازم نیست بررسی شود ، زیرا موضوع و محمول هر دو علامت منفی دارند. پس : قیاس معتبر است و نتیجه بدست آمده نیز درست است.

**مثال چهارم :** هر شتری بچه زا است. بعضی پرندگان بچه زا هستند. پس ؛ بعضی شترها پرنده هستند.

**مقدمه اول :** هر شتری بچه زا است. حملی صغرا

قیاس اقترانی حدوسط (بچه زا)

**مقدمه دوم :** بعضی پرندگان بچه زا هستند. حملی کبرا

**نتیجه :** بعضی شترها بچه زا هستند.

حدوسط یعنی کلمه "بچه زا" در هر دو مقدمه عیناً و به یک معنا آمده است. هر دو مقدمه موجب هستند.

حدوسط یعنی کلمه "بچه زا" در هر دو مقدمه علامت منفی دارد.  
 پس ؛ قیاس نامعتبر است ، زیرا شرط دوم را ندارد و حدوسط در هر دو مقدمه علامت منفی دارد و نتیجه بدست آمده نیز نادرست است.

**مثال پنجم :** بعضی گلها صورتی نیستند. هر گلی گیاه است. پس ؛ بعضی صورتی ها گیاه نیستند.



کلمه "گیاه" که در نتیجه محمول است ، در مقدمه دوم که آمده علامت منفی دارد.  
 پس ؛ قیاس نامعتبر است ، زیرا شرط سوم را ندارد و محمول نتیجه در مقدمه دوم علامت منفی دارد و نتیجه بدست آمده نیز نادرست است.

**گروه مشاوره فراهوش**  
**INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99**  
**WEB : FARAHOOSH99.IR**



## قضیه شرطی و قیاس استثنایی

قضیه گفتاری است که احتمال صدق و کذب در آن راه دارد.

### قضیه یا حملی است یا شرطی

در قضایای حملی چیزی را بدون قید و شرط به چیزی نسبت می دهیم یا سلب می کنیم.



**مانند: ایران کشور پهناوری است.**

اما در قضایای شرطی، حکم به ثبوت یا سلب نسبتی می کنیم به شرط تحقق نسبتی دیگر



**مانند: اگر باران نبارد محصولات کشاورزی از بین خواهد رفت.**

## در قضایای شرطی به اتصال و انفصال دو نسبت حکم می شود.

قضیه شرطی دو قسم است :

قضیه شرطی منفصل

قضیه شرطی متصل

اگر قضیه شرطی دارای پیوستگی و اتصال باشد ، متصل است.

قضیه شرطی متصل

مانند:

اگر او موحد نباشد، مسلمان نیست.

اگر هوا خوب نباشد، آنگاه به تفریح نمی روم.

هرگاه فلز حرارت ببیند، آنگاه منبسط می شود.

اگر امروز جمعه باشد، تعطیل است.

دو جزء قضیه با یکدیگر اتصال و پیوستگی دارد. یا با هم به وقوع می پیوندند یا با هم به وقوع نمی پیوندند.

اجزای قضیه شرطی متصل:

اگر الف ، آنگاه ب

تالی (جزای شرط)

مقدم (شرط)

اگر احمد پرهیزگار باشد ، رستگار است.

تالی

مقدم

ساختار این قضیه به صورت «اگر-آنگاه-» است

ممکن است مقدم و تالی جابجا شود. مانند:

تیم ملی برنده خواهد شد ، اگر مربی خوبی استخدام کرده باشیم.

مقدم

تالی

تمرین ها را امشب می نویسم ، اگر وقت پیدا کنم.

مقدم

تالی

گروه مطالعه و تدریس فراخوش  
INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99

۳  
WEB : FARAHOOSH99.IR

در قضایای شرطی متصل، لزوماً «مقدم»، جزء اول و «تالی»، جزء دوم نیست. به عبارتی اینگونه نیست که «مقدم»، حتماً در ابتدای قضیه بیاید و تالی در قسمت دوم باشد. بلکه «تالی» به لحاظ معنا دنباله ی «مقدم» است.

گاهی در مکالمات روزمره به جای لفظ «اگر» یا «آنگاه» الفاظ دیگری همچون «هرگاه»، «در این صورت»، «چنانچه»، «در صورتی که»، «به این شرط که» می آید.

اگر خوب ورزش کنی، در این صورت برایت تردمیل خواهیم خرید.

در زبان عادی یا ادات را حذف می کنیم یا به موارد دیگر تبدیل می کنیم.

در صورت تلاش به موفقیت می رسی

یعنی

اگر تلاش کنی موفق خواهی شد.

قضیه شرطی متصل به لحاظ طبیعت اتصال و ارتباطی که میان مقدم و تالی آن برقرار است به لزومیه و اتفایه تقسیم می شود.

### قضیه شرطی متصل لزومیه:

قضیه ای است که میان دو نسبت، اتصال حقیقی برقرار است. منشأ این اتصال، پیوندی است که موجب می شود یکی از آنها مستلزم دیگری باشد.

بدین صورت که یکی از آن ها علت دیگری، و یا هر دو معلول یک علت می باشند.

### مانند:

اگر آب گرم شود، منبسط می گردد.

در این مثال، مقدم، علت تالی است.

هنگامی که آب منبسط می شود، گرم شده است.

در اینجا برعکس قضیه قبل، تالی، علت مقدم است.

هنگامی که آب بجوشد، منبسط می شود.

در این قضیه، مقدم و تالی هر دو معلول یک علت هستند. زیرا جوشیدن و انبساط، هر دو، معلول یک درجه حرارت خاص می باشند.

گروه مشاوره فراراهوش

INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

### قضیه شرطی متصل اتفاقیه:

قضیه ای است که میان دو نسبت، اتصال حقیقی برقرار نیست؛ زیرا پیوندی که ملازمه میان آن دو را ایجاب کند، وجود ندارد. اما اتفاقاً حصول تالی مقارن با حصول مقدم بوده است.

مانند:

مثل آنکه به طور اتفاقی چندین بار، احمد پس از شروع درس، وارد کلاس شده باشد که در این صورت گفته می شود:

هرگاه احمد وارد کلاس شود، درس از پیش شروع شده است.

مثال های دیگر:

اگر امروز شنبه باشد، آنگاه درس منطق داریم.

که این تقارن اتفاقی است.

اگر مریم درس بخواند، من هم درس خواهیم خواند.

اگر رضا به خرید برود، من هم خرید خواهیم کرد.

پس لزومی میان آنها وجود ندارد الا اعتباری که گوینده بیان کرده و خودش شرط کرده است.

اکثر قواعد قیاس های استثنایی که در قضایای  
شرطی به دست می آیند ، در قضایای اتفایه  
چندان نمی توانیم نتیجه گیری کنیم.

## قضیه شرطی منفصل

هنگامی که دو جزء و نسبت قضیه با یکدیگر عناد و گسستگی داشته باشند ، به آن شرطی منفصل می گویند.

مانند:

امروز یا دوشنبه است یا سه شنبه

او یا شیرازی است یا اصفهانی

قضیه شرطی منفصل به سه قسم است:

مانعه الرفع یا مانعه الخلو

مانعه الجمع

حقیقی

ساختار قضیه شرطی منفصل به صورت «یا\_ یا\_»

گروه منتسب و رگرنوردموتشره فراهوش

INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR



## قضیه شرطی منفصل حقیقی

هم درست بودن (صدق) دو طرف قضیه محال است و هم غلط بودن (کذب) دو طرف محال است.

(اجتماع و ارتفاع محال)

مانند:

## یا این قضیه صادق است یا کاذب

این قضیه نمی تواند هم صادق باشد هم کاذب، نمی تواند نه صادق باشد نه کاذب

مثالهای دیگر:

یا قضیه شرطی، متصل است یا منفصل

یا عالم متناهی است یا نامتناهی

یا جسم مرکب است یا بسیط

## منفصل مانعه الجمع (غیر قابل جمع در صدق):

درست بودن (صدق) دو طرف قضیه محال باشد اما غلط بودن (کذب) دو طرف قضیه محال نباشد

(اجتماع محال، ارتفاع جایز)

مانند:

« لحظه تحویل سال یا در قزوین هستیم یا در ساری »

محال است در یک لحظه در هر دو جا باشد اما می تواند در هیچ کدام نباشد.

مثالهای دیگر:

یا آن میوه سیب است یا پرتقال

یا این فلز طلا است یا نقره

یا خودکار معلم قرمز است یا آبی

گروه آموزشی فراهوش  
INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

## منفصل مانعه الرفع یا مانعه الخلو (غیر قابل جمع در کذب)

محال است دو طرف کاذب باشند در حالی که اجتماعشان جایز است.

(اجتماع جائز، ارتفاع محال)

مانند:

این جسم یا غیر سفید است یا غیر سیاه

می تواند هم غیر سفید باشد هم غیر سیاه، اما نمی تواند هیچکدام نباشد.

یک شیء یا علت است یا معلول

می تواند هم علت باشد هم معلول ، اما نمی شود نه علت باشد نه معلول.

گروه مشاوره فراهوش

INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

قضایای منفصل دارای سه حالت زیر هستند:

منفصل حقیقی	الف یا ب ( نه هر دو و نه هیچ کدام)
منفصل مانع الجمع	الف یا ب ( نه هر دو و شاید هیچ کدام)
منفصل مانع الرفع	الف یا ب ( نه هیچ کدام و شاید هر دو)

میان دو جزء قضایای شرطی منفصل و دو قضیه حمله که دارای یکی از روابط تقابل هستند  
از نظر صدق و کذب، تناظر برقرار است.

نسبت بین دو جزء قضیه شرطی منفصل حقیقی، **تناقض** است.

نسبت بین دو جزء قضیه شرطی منفصل مانعه الجمع، **تضاد** است.

نسبت بین دو جزء قضیه شرطی منفصل مانعه الخلو، **تداخل تحت تضاد** است.

➤ از مثال الاکلنگ برای رابطه تناقض، از مثال دو نفری که باهم اختلاف و دعوا دارند برای رابطه تضاد و از  
مثال دو سرباز برای نگهبانی برای رابطه تداخل تحت تضاد، می توان برای بررسی اعتبار یا عدم اعتبار قیاس  
استثنائی متناظر آنها استفاده نمود.

برای تشخیص اقسام قضایای شرطی منفصل از یکدیگر، دو سؤال مطرح می‌شود:

۱- آیا امکان دارد دو جزء قضیه منفصل با هم صادق باشند؟

۲- آیا امکان دارد دو جزء قضیه منفصل با هم کاذب باشند؟

اگر پاسخ به هر دو سؤال، منفی باشد، **قضیه حقیقی** است.

اگر پاسخ به سؤال اول، منفی باشد، **قضیه مانعه الجمع** (غیر قابل جمع در صدق) است

اگر پاسخ سؤال دوم، منفی باشد **قضیه، مانعه الرفع** (غیر قابل جمع در کذب) است.

## قضیه شرطی سالبه:

هر قضیه شرطی ممکن است موجه یا سالبه باشد.

اگر از دانش آموزان پرسیده شود، سالبه قضیه زیر چیست؟

اگر باران بیارد هوا لطیف می شود

**دانش آموزان پاسخ خواهند داد که:**

اگر باران نیارد هوا لطیف می شود

اگر باران بیارد هوا لطیف نمی شود

اگر باران نیارد هوا لطیف نمی شود

که هر سه این ها اشتباه است.

با سالبه کردن مقدم یا سالبه کردن تالی یا هر دو قضیه سالبه نمی شود.

سالبه قضیه در شرطی ها به گونه ای است که

باید کل نسبت نفی شود.

یعنی اگر اتصال و انفصال را رفع کنیم، به قضیه شرطی سالبه دست پیدا خواهیم کرد.

چنین نیست که هر گاه کسی عالم باشد بافضیلت باشد.

صورت قضیه شرطی متصل سالبه به صورت زیر است:

چنین نیست که اگر الف آنگاه ب

گروه مشاوره فراهوش

INSTAGRAM : FARA\_H00SH99

WEB : FARAHOOSH99.IR



## مثال برای قضیه شرطی منفصل سالبه:

چنین نیست که مثلث یا قائم الزاویه باشد یا متساوی الساقین

زیرا بین این دو امر (قائم الزاویه بودن و متساوی الساقین بودن) معاندت و منافاتی نیست و اجتماع هر دو ممکن است.

در اینگونه قضایا چون انفصال را نفی کرده ایم، به قضیه شرطی منفصل سالبه دست یافته ایم.

صورت قضیه شرطی منفصل سالبه به صورت زیر است:

چنین نیست که یا الف یا ب

گروه متساوره فراهوش

INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99

۱۷  
WEB : FARAHOOSH99.IR

## اقسام منفصله:

شرطی منفصل دو تقسیم دارد: ۱- عنادیه ۲- اتفاقیه

### عنادیه

آن قضیه شرطی منفصلی است که میان طرفین آن تنافی و ناسازگاری حقیقی برقرار است؛ بدین نحو که ذات نسبت در هر یک از طرفین، با ذات نسبت در طرف دیگر تنافی و ناسازگاری دارد.

مانند: عدد صحیح یا زوج است یا فرد است.

### اتفاقیه

آن قضیه شرطی منفصلی است که میان طرفین آن تنافی و ناسازگاری حقیقی ذاتی برقرار نیست؛ بلکه طرفین به طور اتفاقی و تصادفی، در اثر یک امر بیرون از ذات، با یکدیگر جمع نشده، و یکی بدون دیگری تحقق یافته است.

مانند: کسی که در اتاق نشسته، یا محمد است یا باقر است.

یا مانند: این کتاب یا در باب منطق است و یا مال حسن است.

INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99

WEB : FARAHOOSH99.IR

## قیاس استثنائی:

به قیاسی گفته می‌شود که عین نتیجه یا نقیض نتیجه در یکی از مقدمات استدلال ذکر شده باشد.

مثال: اگر باران ببارد، هوا ابری است.  
لیکن هوا ابری نیست.  
باران نباریده است.

(قضیه شرطی متصل)  
(قضیه حملی)

قیاس استثنایی از دو مقدمه تشکیل می‌شود که یکی شرطی و دیگری حملی است، نتیجه قضیه حملی است.

وجه تسمیه این نوع قضایا به استثنایی، لفظ «لیکن» است که از ادات استثناست.

قیاس استثنایی

انفصالی

اتصالی

غیر قابل جمع  
در کذب

غیر قابل جمع  
در صدق

حقیقه

## قیاس استثنایی اتصالی

مقدمه اول قیاس استثنایی اتصالی ، قضیه شرطی متصل است.

اعتبار یا عدم اعتبار قیاس استثنایی متصل به چگونگی مقدمه دوم آن یعنی به مقدمه حملی آن بستگی دارد که

چهار حالت داشته که فقط دوتای آن معتبر است؛ ۱- وضع مقدم ۲- رفع تالی

مثال: اگر باران بیارد، هوا لطیف می شود (قضیه شرطی متصل)

باران باریده (وضع مقدم) ← (قضیه حملی)

∴ پس هوا لطیف می شود (وضع تالی) ← قضیه حملی (خبری)

در قیاس فوق، حالت «وضع مقدم» معتبر است.

مثال: اگر باران بیارد، هوا لطیف می‌شود (قضیه شرطی متصل)

هوا لطیف نشده (رفع تالی) ← (قضیه حملی)

پس باران نباریده است. (رفع مقدم) ← قضیه حملی (خبری)

در قیاس فوق، حالت «رفع تالی» معتبر است.

مغالطه رفع مقدم

مثال: اگر باران بیارد، هوا لطیف می‌شود

باران نباریده (رفع مقدم)

نامشخص؟

گروه مشاوران گروه مشاوران فراهوش  
در قیاس فوق، حالت «رفع مقدم» نامعتبر است.  
INSTAGRAM : FARAHOOSH99FARA\_HOOSH99

## مغالطه وضع تالی

مثال: اگر باران بیارد، هوا لطیف می شود

هوا لطیف شده (وضع تالی)

∴ نامشخص؟

در قیاس فوق، حالت «وضع تالی» **نامعتبر** است.

«مغالطه وضع تالی» و «مغالطه رفع مقدم»



نتیجه گرفتن از حالات نامعتبر قیاس استثنائی اتصالی

## قیاس استثنایی انفصالی

مقدمه نخست قیاس استثنایی انفصالی می تواند یکی از سه قضیه شرطی منفصل باشد. لذا به سه حالت تقسیم می شود:

### قیاس استثنایی انفصالی حقیقی:

مقدمه نخست قیاس استثنایی منفصله حقیقی، قضیه شرطی منفصل حقیقی است که هم صدق و هم کذب دو جزء آن محال است و همچون رابطه تناقض، از صدق یکی به کذب دیگری و از کذب یکی به صدق دیگر جزء می رسیم.

بنابراین با چهار حالت در این قیاس مواجه هستیم که هر چهار حالت آن معتبر است:

اثبات یکی از طرفین ← نفی طرف دیگر  
نفی یکی از طرفین ← اثبات طرف دیگر



## انفصالی حقیقی: اثبات یکی از طرفین ← نفی طرف دیگر

مثال:

یا تصور جزئی است یا کلی

لیکن کلی است

پس: جزئی نیست. (معتبر)

یا تصور جزئی است یا کلی

لیکن جزئی است

پس: کلی نیست (معتبر)

## انفصالی حقیقی: نفی یکی از طرفین ← اثبات طرف دیگر

مثال:

یا تصور جزئی است یا کلی

لیکن کلی نیست

پس جزئی است. (معتبر)

یا تصور جزئی است یا کلی

لیکن جزئی نیست

پس کلی است. (معتبر)

## قیاس انفصالی غیر قابل جمع در صدق (مانعه الجمع):

یکی از مقدمات این قیاس، قضیه شرطی منفصل مانعه الجمع است.

با توجه به شرایط و قواعد شرطی منفصله مانعه الجمع از چهار حالتی که این قیاس می تواند داشته باشد فقط دو حالت اثباتی آن معتبر است.

صدق (اثبات) یکی از طرفین ← کذب (نفی) طرف دیگر

**مثال:**

یا فردا سه شنبه است یا چهارشنبه

لیکن سه شنبه است

پس: چهارشنبه نیست. (معتبر)

گروه مشاوره فراروش

INSTAGRAM : FARA\_HOOSH99

۲۶  
WEB : FARAHOOSH99.IR

یا فردا سه شنبه است یا چهارشنبه

لیکن چهارشنبه است.

پس سه شنبه نیست. (معتبر)

دو حالت دیگر معتبر نیست: کذب (نفی) یک از طرفین ← نتیجه نامشخص

یا فردا سه شنبه است یا چهارشنبه

لیکن چهارشنبه نیست

یا فردا سه شنبه است یا چهارشنبه

لیکن سه شنبه نیست.

نمی توان به نتیجه مشخصی رسید. نمی توان به نتیجه مشخصی رسید.

WEB : FARAHOOSH99.IR

## قیاس استثنایی انفصالی غیر قابل جمع در کذب (مانعه‌الرفع)

یکی از مقدمات این قیاس، قضیه شرطی منفصل مانعه‌الرفع است.

با توجه به شرایط شرطی منفصل مانعه‌الرفع تنها دو حالت از چهار حالت تشکیل دهنده این قیاس معتبر می‌باشد یعنی حالات کذبی اجزاء:

نقی و کذب یکی از طرفین ← اثبات و صدق طرف دیگر

مثال:

یا شیء داغ، نور دارد یا گرما

لیکن گرما ندارد

پس: نور دارد (معتبر)

یا شیء داغ، نور دارد یا گرما

لیکن نور ندارد

پس: گرما دارد (معتبر)

دو حالت دیگر نامعتبر است یعنی:

اثبات یکی از طرفین ← نتیجه نامشخص

مثال:

یا شیء داغ، نور دارد یا گرما

لیکن گرما دارد

نمی توان به نتیجه مشخصی رسید.

یا شیء داغ، نور دارد یا گرما

لیکن نور دارد

نمی توان به نتیجه مشخصی رسید.

گروه مشاوره فراهوش

INSTAGRAM : FARA\_H00SH99

WEB : FARAHOOSH99.IR